

ترجمہ

تحف العقول

عن آل الرسول ﷺ

ابو محمد ابن شعبہ حرانی (رحمہ اللہ)

جلد اول

سید علی حسینی

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار :
۱۵	حدیث در دوران پیامبر ﷺ
۱۶	نشانه‌های اهتمام پیامبر ﷺ به حدیث و کتابت آن
۲۱	نویسنده کتاب
۲۴	مقدمه مؤلف
۳۵	❖ روایاتی از پیامبر اکرم ﷺ
۳۷	«سفارش پیامبر اکرم ﷺ به امیرمؤمنان (علیه السلام)»
	«آنچه از رسول خدا در همین زمینه (آراستن خویشتن به کرمه‌ها تقوا
۴۰	و برخورداری از اخلاق نیکو و سجایای انسانی) روایت شده است»
۵۱	«سفارش کوتاه دیگری از رسول خدا ﷺ به امیرمؤمنان (علیه السلام)»
۶۱	«سفارشی دیگر از رسول خدا ﷺ به امیرمؤمنان (علیه السلام)»
۶۲	«زشتی دروغ از دیدگاه اسلام»
۶۵	«مفهوم غیبت»



- «صفت برجسته نیکوکاران» ۶۹
- «بخشی از حکمت‌ها و سخنان رسول خدا ﷺ» ۷۲
- «ویژگیهای دهگانه عقل» ۷۴
- «پاداش صابران» ۸۴
- «پیامبر اسلام ﷺ اسطوره صبر و پایداری» ۸۵
- «دو عامل ایمنی مسلمین» ۸۸
- «شرایط توبه و استغفار از دیدگاه امیرمؤمنان ﷺ» ۸۸
- «قلب سلیم تنها سرمایه نجات» ۹۱
- «مبارزه اسلام با نژاد پرستی» ۹۴
- «ترس از خدا چرا؟» ۹۸
- «متکلف کیست؟» ۱۰۰
- «نفاق یک نوع بیماری است» ۱۰۲
- «حسد و آثار زیان بار آن» ۱۰۳
- «درمان غفلت زدگی» ۱۰۶
- «سفارش پیامبر اکرم ﷺ به معاذ بن جبل ؓ هنگام اعزام او به یمن» ۱۱۳
- «از سخنان [کهربار] رسول خدا ﷺ» ۱۱۷
- «تذکر و یادآوری رسول خدا ﷺ در مورد دانش، عقل و نادانی» ۱۲۲
- «یک اندرز [درباره هشدار از دنیاگرایی و وابستگی به آن]» ۱۲۴
- «سخنرانی رسول خدا ﷺ در آخرین سفر حج» ۱۲۷
- «سخنان کوتاه پیامبر ﷺ در مورد کسب صفات پسندیده و دوری از صفات نکوهیده» ۱۳۴
- «جایگاه زن و نقد تفکر فمینیسم یا (زن سالاری)» ۱۳۶
- «طرح یک پرسش و پاسخ آن ۱۳۷

۱۵۰	۱- استعاذه
۱۵۰	چگونه به خدا پناه ببریم؟
۱۵۱	۲- ابتلا
۱۵۱	«هدف خداوند از ابتلای انسان‌ها»
۱۵۷	«بحثی پیرامون شرک و انواع آن»
۱۸۰	«پیروی از غیر علم و آثار زیانبار آن»
۱۸۱	«راه مبارزه با پندار گزایی»
۱۹۴	«بحثی پیرامون فال نیک و بد»
۲۱۲	«شعر و شاعری در اسلام»
۲۳۷	❖ روایاتی از امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)
۲۳۹	«احادیثی که از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده است»
۲۴۰	«خطبه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پیرامون اخلاص توحید»
۲۵۲	نامه امیرمؤمنان به فرزندش امام حسن (علیه السلام)
۲۶۷	«بحثی پیرامون اهمیت دعا و شرایط استجاب»
۲۶۹	«شرایط اجابت دعا»
۲۶۹	الف - پاکی قلب
۲۶۹	ب - پاکی مال و دارایی
۲۷۰	ج - مبارزه با فساد
۲۷۰	د - عمل به پیمان‌های الهی
۲۷۲	هـ - دعا و عمل
۲۹۱	«سفارش آن حضرت به فرزندش امام حسین (علیه السلام)»
۲۹۸	«عالمات در منطق قرآن»



- «خطبه آن حضرت معروف به «وسيله» ۳۰۰
- «سلام و درود بر پیامبر ﷺ» ۳۰۲
- «کیفیت صلوات بر پیامبر ﷺ» ۳۰۲
- آدابی که آن حضرت برای اصحابش بیان فرموده ۳۲۰
- «بحثی پیرامون نویسندگان و مراقبان اعمال» ۳۲۸
- «تبدیل گناه صغیره به کبیره» ۳۳۷
- «غیبت از بزرگ‌ترین گناهان است» ۳۵۵
- «مفهوم غیبت» ۳۵۶
- «نکاتی جالب درباره غسل» ۳۵۹
- «جنایت تهمت» ۳۶۳
- «توبه، دری به سوی رحمت الهی» ۳۶۴
- «نعمه آسمانی» ۳۶۶
- «داستان تکان‌دهنده اُصمعی» ۳۷۶
- «بحثی پیرامون حرمت غنا» ۳۸۳
- «طرح یک پرسش و پاسخ آن» ۳۸۴
- «فرمان امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر رحمه الله هنگامی که او را به حکومت مصر و توابع آن منصوب کرد» ۴۰۰
- «بحثی پیرامون «محکم و متشابه»، «ناسخ و منسوخ» ۴۱۸
- «طرح یک پرسش و پاسخ آن» ۴۲۰
- «مجازات قتل عمد» ۴۴۶
- «طرح یک پرسش و پاسخ آن» ۴۴۷
- «خطبه امیر مؤمنان علی علیه السلام معروف به (دیباچ)» ۴۵۳
- «از سخنان حکمت‌آمیز آن بزرگوار پیرامون تشویق به انجام کارهای نیک، و تهدید [از عذاب] و پند و اندرز» ۴۶۶

۴۷۴	«موعظه آن حضرت و توصیف احوال تقصیرکاران»
۴۷۸	«شرح حال پرهیزکاران، معروف به خطبه همّام»
۴۷۹	«حقیقت تقوا»
۴۷۹	«مراحل تقوا»
۴۸۷	«خطبه آن حضرت پیرامون ایمان و کفر، ارکان و شعبه‌های آن دو»
۴۹۵	«خطرناک‌ترین بت‌ها و بت هوای نفس»
۵۰۰	«از سخنان مولای متقیان علی علیه السلام به کمیل بن زیاد»
۵۰۴	«توصیه‌های امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل در جمله‌هایی کوتاه»
۵۱۴	«اهمیت امانت در اسلام»
	«توصیه‌های امیر مؤمنان علی علیه السلام به محمد بن ابی بکر، هنگامی که او را
۵۱۹	به فرمانداری و حکومت مصر برگزید»
	گزیده‌ای از نامه آن حضرت به مصریان پس از اعزام محمد بن ابی بکر
۵۲۱	به آن دیار»
۵۲۵	«جایگاه استفاده از زیبایی‌ها در تعلیمات اسلامی»
۵۳۳	«از سخنان آن حضرت در پارسایی، و نکوهش از دنیا و گذرا بودن آن»
	سخنرانی امیر مؤمنان علی علیه السلام در پاسخ کسانی که به مساوات در تقسیم
۵۴۰	غنائم اعتراض کردند
	«از سخنان آن حضرت علیه السلام در بجا مصرف کردن اموال و تقسیم عادلانه
۵۴۶	بیت‌المال»
۵۴۹	«امیر مؤمنان علی علیه السلام دنیا را برای پرهیزکاران توصیف می‌کند»
۵۴۹	«طرح یک پرسش و پاسخ آن»
۵۴۹	آیا دنیا و آخرت با هم تضاد دارند؟
۵۵۵	«کلام آن حضرت پیرامون ایمان و ارواح و علت تفاوت آنها»



- سفارش آن حضرت به زیاد بن نضر هنگامی که او را به فرماندهی
خط مقدم سپاه به صفین اعزام فرمود ۵۶۲
- «توصیف آن حضرت پیرامون راویان حدیث» ۵۶۵
- «اقسام راویان حدیث» ۵۶۷
- «اول - منافقان نفوذی» ۵۶۷
- «دوم - استباه‌کار» ۵۶۹
- «سوم - آگاهانی که حدیث شناس نیستند» ۵۶۹
- «چهارم - حافظان راست گفتار» ۵۷۰
- «گزیده‌ای از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام درباره اسلام، حقیقت توبه و
استغفار» ۵۷۲
- «وصیت امیرمؤمنان علیه السلام هنگام وفات به امام حسن مجتبی علیه السلام» ۵۷۶
- «نوازش یتیمان» ۵۷۹
- «فرق میان سائل و محروم» ۵۸۲
- «نقش اسلام در احیای ارزش مقام زن» ۵۸۳
- «بیانات آن حضرت پیرامون فضیلت [و جایگاه] دانش» ۵۸۷
- «سخنان کوتاه آن حضرت در باب این معانی» (حکمت، موعظه، تشویق
و هشدار) ۵۸۸
- «ارزش حکمت» ۵۹۲
- «چرا حکمت، گمشده مؤمن است» ۵۹۳
- «عالمان بی عمل» ۵۹۴
- «گسترش دامنه آرزوها» ۶۰۴
- «بلاى شتابزدگی» ۶۰۹
- «مجازات استدراج» ۶۱۲

۶۱۵	«آزمایش الهی، یک سنت جاویدان»
۶۱۶	«آزمون‌ها در چهره‌های مختلف»
۶۳۸	نخستین پایه گذار مکتب جبر»
۶۳۹	«اختیار و عدالت»
۶۴۰	«اصل اختیار و آزادی اراده»
۶۴۳	«مصائبی که دامان ما را می‌گیرد»
۶۴۸	«تحلیلی بر حدیث (مَنْ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ)»
۶۶۲	«حمیت و تعصباتی ناروا»
۶۷۴	«پاداش مخلصان»
۶۷۵	«سخن علامه طباطبائی»
۶۷۹	❁ روایاتی از ابو محمد امام حسن بن علی ؑ
۶۸۲	«سیمای نیکوکاران»
۶۹۰	«از سخنان حکیمانه آن بزرگوار»
۶۹۳	«پاسخ آن حضرت به مسائلی که از ایشان پرسیدند»
	«کلام آن حضرت پیرامون استطاعت، قدرت و اختیار انسان در قلمرو
۶۹۷	افعال»
۶۹۹	«یک اندرز»
	«خطبه امام حسن ؑ پس از قرارداد صلح، آن هنگام که معاویه گفت:
۷۰۲	فضیلت ما را بیان کن!»
۷۰۵	«سخنان کوتاه [و در عین حال پر محتوا] از امام حسن ؑ»
۷۰۵	«ارزش و اهمیت مشورت»
۷۰۶	«طرح یک پرسش و پاسخ آن»



«بیان یک نکته» ۷۰۷

«عزّت از آن خدا و دوستان اوست» ۷۱۰

❖ روایاتی از سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام ۷۱۷

سخنان آن حضرت پیرامون امر به معروف و نهی از منکر که از امیر
مؤمنان علیه السلام نیز

نقل شده است ۷۲۰

«پندی حکیمان» ۷۲۷

«نامه آن حضرت به مردم کوفه، آنگاه که راهی کوفه شد و بی وفایی

آنان را دید» ۷۳۱

«پاسخ آن حضرت علیه السلام به سؤالات پادشاه روم» ۷۳۳

«اقسام جهاد» ۷۳۵

«سنت‌های نیک و بد» ۷۳۶

«سخن آن حضرت درباره (توحید)» ۷۳۸

«لطیف یعنی چه» ۷۴۰

«سخنان کوتاه آن حضرت پیرامون کسب ارزش‌های والای انسانی» ۷۴۳

«اثر بازگو کردن نعمت‌ها» ۷۴۸

❖ روایاتی از امام سید العابدین علی بن الحسین علیه السلام ۷۵۵

«نصایح آن حضرت در روزهای جمعه برای تذکر و تنبّه اصحاب و

شیعیانش» ۷۵۷

«منظور از ترازوی سنجش چیست؟» ۷۶۵

«مقصود از آزمایش الهی» ۷۶۶

۷۷۰	«اندرز، زهد، حکمت»
۷۷۵	«رساله آن حضرت، معروف به رساله حقوق»
۷۷۸	[تفصیل حقوق]
۷۷۹	«شرک و آثار زیانبار آن»
۷۸۱	«ضرورت کنترل زبان»
۷۸۴	«حقوق کارها»
۷۸۸	حقوق سرپرستان
۷۹۱	حقوق زیردستان
۷۹۴	«طرح اسلام برای آزادی بردگان»
۷۹۹	«حقوق خویشاوندان»
۸۰۳	«نیکی، پاداش نیکی است»
۸۰۸	«مال و ثروت از دیدگاه اسلام»
۸۲۱	«از سخنان آن بزرگوار پیرامون پارسایی»
۸۲۸	«نامه پندآمیز امام سجاد (ع) به محمد بن مسلم زهری (ع)»
۸۲۹	«حقیقت شکر»
۸۳۰	«وظیفه بزرگ دانشمندان»
	سخنان کوتاه آن حضرت در این زمینه‌ها: (پند، حکمت و ارزش‌های اخلاقی)
۸۳۸	
۸۴۲	«چرا اظهار گرفتاری موجب خواری انسان است»
۸۴۲	«یک داستان، یک درس»
۸۴۵	«اهمیت صله رحم در اسلام»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار :

حدیث خواه از پیامبر اکرم ﷺ یا از دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام باشد، چشمه جوشانی از وحی الهی است که برای هدایت انسان، از کلام و کردار معصوم نشأت می گیرد.

قرآن و حدیث هر یک میراثی جاودانه هستند که خدای متعال آنها را برای رشد، شکوفایی و بالندگی انسان‌ها، به ودیعه به آنها سپرده است، آن چنان که پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا، كِتَابُ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي»^۱.

حدیث در دوران پیامبر ﷺ

با توجه به آن که عنصر معنایی حدیث با کردار، گفتار و تقریر پیامبر اکرم ﷺ گره

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۹۴. امالی صدوق، ج ۱، ص ۲۵۵. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۴. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲ و



خورده است، بسیار طبیعی است که پیدایش حدیث را همزمان با آغاز رسالت آن حضرت ﷺ بدانیم، گرچه به لحاظ شرایط زمانی و محدودیت‌های موجود، در دوران سیزده ساله مکّه کمتر می‌توان نشانی از اهتمام به حدیث یافت؛ چه آن‌که توجه مسلمانان در آغازین روزهای بعثت به آشنایی با اصل رسالت و معارف بنیادین اسلام و چگونگی مقابله با آزار مشرکان معطوف بوده است. اما با هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، فضایی مناسب برای توجه دادن مسلمانان به ارزش حدیث در کنار قرآن فراهم آمد.

نشانه‌های اهتمام پیامبر ﷺ به حدیث و کتابت آن

در سیره قولی و عملی پیامبر ﷺ شواهدی دال بر این اهتمام وجود دارد؛ از جمله این روایت معروف است:

«من حفظ من أمتي أربعين حديثاً ممّا يحتاجون إليه في أمر دينهم بعثه الله - عز وجل - يوم القيامة فقيهاً عالماً؛ هر کس از امت من چهل حدیث در زمینه نیاز دینی آنها حفظ کند، خدای تعالی در روز رستاخیز او را فقیه عالم برخواهد انگيخت»^۱.

مهم‌ترین پیام این حدیث اهمیت نشر حدیث است. در نظر داشته باشیم وقتی قرار باشد هر مسلمانی تا روز قیامت با عنایت به این روایت، خود را مسئول حفظ و نشر حداقل چهل حدیث بداند، مجموعاً چه حجم فراوانی از احادیث در گستره زمانی در میان مسلمانان منتشر خواهد شد.

به اذعان دوست و دشمن هیچ دین و آئینی به اندازه اسلام به تعلیم و تعلّم و ارزش دانش اهتمام نورزیده است. دینی که نخستین واژه کتاب مقدّسش و معجزه جاوید

۱. الخصال، ص ۵۴۱-۵۴۳؛ علامه مجلسی ده روایت با مضامین مختلف در این باره نقل کرده است.

(بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۶)

پیامبر ﷺ پس از نام خدا، با واژه «اقراء» شروع می‌شود. اسلام، محدودیت‌های جغرافیایی^۱ را برای دانش آموختن به رسمیت نمی‌شناسد و آن را تا گاه جان سپردن و در همه حال امری مطلوب می‌داند.^۲ و یکی از حقوق فرزندان بر والدین را تعلیم دانش معرفی می‌کند.^۳

یکی از کارنامه‌های درخشان پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه که برای همگان درس آموز است، برخورد ایشان با اسیران جنگ بدر است. در تاریخ می‌خوانیم: «فدیه و سربهای اسیران بدر چهار هزار درهم و کمتر از این بوده و آن که چیزی نداشت، باید به فرزندان انصار کتابت می‌آموخت».^۴

مورخان و محدثان به اتفاق نقل کرده‌اند که رسول اکرم ﷺ در خطابه خود در «حجة الوداع» که به تذکار، مهم‌ترین آموزه‌های دینی و اخلاقی اختصاص یافت، فرمود: «فلیبلغ الشاهد الغائب؛ پس باید شاهد به غائب ابلاغ کند».^۵

و نیز در ضمن خطابه‌ای در مسجد خیف فرمود: «خداوند شادمان سازد بنده‌ای را که سخن مرا شنیده و به گوش جان سپرده و آن را به کسی که نشنیده برساند».^۶

پیامبر ﷺ به خوبی می‌داند که تکیه به حافظه تنها برای حفظ میراث علمی خطاست؛ زیرا حافظه هر قدر قوی و نگاهدار باشد، به خاطر گسترگی، تشابه موارد، گذشت زمان، رویکرد پیری و تحلیل قوای بدنی از جمله حافظه، به تنهایی نمی‌تواند

۱. گفتار معروف پیامبر ﷺ در این باره چنین است: «اطلبوا العلم ولو بالصین؛ دانش را حتی اگر در چین باشد، فراگیرید». (شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۷)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «طلب العلم فريضة على كل حال؛ طلب دانش در هر حالی لازم است». (وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۷)

۳. تعلیم کتابت، قرآن و... در برخی از روایات جزء حقوق فرزندان بر شمرده شده است. (کافی، ج ۶، ص ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۸۰)

۴. طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۲۲.

۵. کافی، ج ۱، ص ۲۹۱.

۶. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۶؛ و مسند أحمد، ج ۵، ص ۱۸۳.



برای حفظ و ماندگاری دانش کافی باشد. از این رو همواره بر کتابت حدیث پافشاری می‌کرده‌اند. در گفتار رسول خدا ﷺ افزون بر توصیه به کتابت «اكتبوا هذا العلم؛ این دانش را بنگارید»^۱، از کتابت به عنوان تقیید علم یاد شده است: «قيدوا العلم بالكتاب؛ دانش را با نگارش به بند کشید»^۲.

«قید» به معنای زنجیر و «تقیید» به معنای زنجیر کشیدن دانش است. این تعبیر کنایه از آن است که آموزه‌های علمی به منزله اسیر گریز پای وقتی به چنگ انسان درآید، هر لحظه به فکر گریختن است، و کتابت آن به منزله زنجیری است که به دست و پای آن زده می‌شود و امکان گریز و از دست رفتن را از آن می‌گیرد.

بدون تردید این تعبیر نشانگر میزان شناخت پیامبر ﷺ به نقش کتابت در حفظ دانش است، و به خوبی از میزان اهتمام پیامبر ﷺ به آن حکایت می‌کند.

در روایتی دیگر می‌خوانیم: پس از فتح مکه، پیامبر ﷺ خطبه‌ای ایراد کرد، مردی از یمن به نام «ابوشاة» برخاست و گفت: ای رسول خدا! این خطبه را برای من بنویسید. آن بزرگوار خطاب به یارانش فرمود: «اكتبوا لأبي شاة»^۳.

گذشته از توصیه‌های مکرر پیامبر ﷺ به عموم مسلمانان، یا افرادی خاص به کتابت و ضبط حدیث - بنا به گزارش‌های تاریخی - خود آن حضرت با املاء احادیث و فرمان به کتابت آنها عملاً برای فراهم آمدن نگاشته‌های حدیثی اقدام کرده است.

افزون بر «کتاب علی» ﷺ یا «جامعه» در عصر پیامبر ﷺ از دیگر نگاشته‌های حدیثی همچون «صحیفة النبی» ﷺ و «الصحیفة الصادقة» نیز سخن به میان آمده است. «صحیفة النبی» مجموعه‌ای کوچک از روایات بوده که با املائی پیامبر ﷺ نگاشته

۱. امام صادق ﷺ فرمود: «اكتبوا فانکم لا تحفظون حتی تکتبوا؛ بنویسید و یادداشت کنید؛ زیرا شما نمی‌توانید [چیزی را] حفظ کنید، مگر آن که یادداشت کنید». (کافی، ج ۱، ص ۹۰)

۲. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۰؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۹ به نقل از تاریخ حدیث، ص ۲۶.

شده که در زمان حیات آن حضرت در دستگیره شمشیر ایشان نگهداری می شد. در برخی از روایات آمده که حضرت علی علیه السلام این صحیفه را در دستگیره شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله یافت و خود آن حضرت نیز این صحیفه را در دستگیره شمشیر خود نگهداری می کرد.^۱

و «الصحیفه الصادقة» مجموعه‌ای از روایات بود که عبدالله بن عمرو بن عاص آن را با املاي پیامبر صلی الله علیه و آله فراهم آورد.^۲

برخی بر این باورند که این صحیفه دارای هزار روایت بوده است، و احمد بن حنبل بخش‌هایی از این صحیفه را در مسند خود ارائه کرده است.^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله در گفتاری دیگر از حضرت علی علیه السلام می‌خواهد تا سخنان او را بنگارد تا برای فرزندان امامش ماندگار باشد.^۴

با توجه به مطالب یاد شده در ارتباط با اهتمام به یادگیری، حفظ و نشر احادیث، به منظور آشنایی با سنت نبوی و سیره امامان معصوم از نظر منش و رفتار، بهترین شیوه و ارزشمندترین برنامه، مراجعه به سخنان آن بزرگواران است.

این کتاب مجموعه‌ای ارزشمند از سخنان و نصایح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن

۱. بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۳۳.

۲. فؤاد سزگین این صحیفه را جزء نگاشته‌های حدیثی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بر شمرده است. (تاریخ

نگارش‌های عربی، ص ۱۲۳)

۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۵۸ به بعد.

۴. امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل کرده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

آنچه بر تو املا می‌کنم بنویس. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، آیا از فراموشی من بیم دارید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من بر تو از فراموشی هراس ندارم؛ چه، از خدا درخواست کردم که به تو حافظه فراموش‌ناپذیر عطا کند، لیکن برای شریکان خود بنویس. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! شریکان من کیستند؟ فرمود: فرزندان امامت... (امالی صدوق، ص ۳۲۷ به نقل از آشنایی با علوم

حدیث، ص ۴۱ - ۴۹)



حضرت می‌باشد. «تحف العقول»^۱ از زمان نگارش تا کنون، در طول هزار سال، همواره مورد توجه علما و فقهای شیعه بوده و در مجموعه‌های روایی خود از آن نقل کرده و به آن استناد نموده‌اند.

مؤلف می‌گوید: پس از آن که دیدم علمای شیعه در بارهٔ فقه و حلال و حرام کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند، بر آن شدم تا مجموعه‌ای پدید آورم که در آن سخنان حکمت‌آموز و موعظه‌های پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت آن حضرت جمع شده باشد؛ تا گنجینه‌ای برای مراجعه خودم و برای علاقه‌مندان به خاندان رسالت باشد.

این کتاب شامل بخش‌های متنوعی است؛ از جمله:

- ۱- وصیت‌های پیامبر اکرم ﷺ به حضرت علی علیه السلام؛
- ۲- سخنرانی آن حضرت در «حجة الوداع»؛
- ۳- نامه‌ها و وصایای امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام؛
- ۴- وصیت آن حضرت به امام حسین علیه السلام؛
- ۵- سخنرانی‌ها و خطبه‌های آن حضرت؛
- ۶- عهدنامهٔ مالک اشتر؛
- ۷- رسالهٔ حقوق امام زین العابدین علیه السلام؛
- ۸- احتجاج امام صادق علیه السلام با سفیان ثوری؛
- ۹- رسالهٔ امام هادی علیه السلام در بارهٔ جبر و تفویض؛
- ۱۰- نامهٔ امام حسن عسکری علیه السلام به اسحاق بن اسماعیل، و روایات و موضوعات مفید و سودمند دیگر از ائمهٔ اطهار علیهم السلام.^۲

۱. نام کامل کتاب، «تحف العقول فی ما جاء من الحكم والمواعظ عن آل الرسول» است که به اختصار «تحف العقول» نامیده می‌شود.

۲. در این کتاب احادیث و سخنان امام زمان علیه السلام یا به دلیل آن که به آنها دسترسی نداشته یا به دلیل تقیه نیامده است.

نویسنده کتاب

ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی از شخصیت‌های برجسته و از چهره‌های درخشان فقهای شیعه در قرن چهارم و از معاصران شیخ صدوق و از مشایخ شیخ مفید نیز به شمار می‌آید. وی در «حرّان» که یکی از توابع شهر حلب در سوریه است، به دنیا آمد و در خانواده‌ای علاقه‌مند و ارادتمند به خاندان رسالت تربیت شد و از همان کردگی عشق و علاقه فراوان به محمد و آل آن حضرت علیهم‌السلام در دل او جای گرفت.

نظر برخی از بزرگان نسبت به «تحف العقول» و مؤلف آن :

۱- شیخ مرتضی انصاری، در اول کتاب «مکاسب» خود، حدیث مبسوطی را که اساس بسیاری از احکام معاملات است، از همین کتاب «تحف العقول» روایت کرده است.

۲- عارف ربانی، شیخ حسین بحرانی، در رساله اخلاق و سلوک خود، ضمن سخنانش می‌گوید: خوشحالم که در این باب، حدیث عجیب، وافی و شافی از کتاب «تحف العقول» تألیف «ابن شعبه» نقل می‌کنم. او از قدمای اصحاب ما است که شیخ مفید از او روایت نقل کرده و روزگار ماندش را نیاورده است.

۳- شیخ حرّ عاملی، در کتاب «أمل الآمل» در باره این کتاب گوید: «حسن کبیر الفوائد مشهور»، این کتاب ارزشمندی است که فواید فراوانی دارد و مشهور است، و مؤلف آن، فاضل محدث می‌باشد.

۴- علامه مجلسی، در فصل دوم از مقدمه «بحارالأنوار» گوید: به یک نسخه قدیمی از کتاب «تحف العقول» برخوردم، نظم این کتاب، دلالت به رفعت شأن مؤلفش دارد، مواظظ و اصول معلومی در کتاب است که نیاز به سند ندارد.



۵- مؤلف «روضات الجناب» گوید: حرّانی فاضلی است فقیه، متبحر، هشیار، عالیمقام، آبرومند، و کتابش مورد اعتماد اصحاب است.
در مجموع دانشمندان بزرگ به احادیث این کتاب اعتماد داشتند و آنها را در آثار و مجموعه‌های بزرگ روایی و فقهی خود مورد استناد قرار دادند.^۱

الحمد لله رب العالمين

قم: سيّد علی حسيني

بهار - ۱۳۹۱

مقدمة المؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ لَهُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَيْهِ إِلَى حَمْدِ حَامِدِيهِ طَرِيقاً مِنْ طُرُقِ
الاعْتِرَافِ بِأَلْهُوتِيَّتِهِ وَصَمَدَانِيَّتِهِ وَرَبَّانِيَّتِهِ وَ سَبَباً إِلَى الْمَزِيدِ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَ مَحَجَّةً
لِلطَّالِبِ مِنْ فَضْلِهِ. وَ مَكَّنَ فِي إِنْطَانِ اللَّفْظِ حَقِيقَةَ الاعْتِرَافِ لِرَبِّهِ مِنْ أَنْعَامِهِ، فَكَانَ مِنْ أَنْعَامِهِ
الْحَمْدُ لَهُ عَلَى أَنْعَامِهِ، فَتَابَ الاعْتِرَافُ لَهُ بِأَنَّهُ الْمُنْعَمُ عَنْ كُلِّ حَمْدٍ بِاللَّفْظِ وَإِنْ عَظُمَ.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، شَهَادَةً بَرَعْتُ عَنْ إِخْلَاصِ الطَّوَيْ، وَ
نُطِقُ اللِّسَانِ بِهَا عِبَارَةً عَنْ صِدْقِ خَفِيِّ، إِنَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى،
لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، إِذْ كَانَ الشَّيْءُ مِنْ مَشِيئَتِهِ وَكَانَ لَا يُشَبِّهُهُ مَوْجُودٌ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اسْتَخْلَصَهُ فِي الْقِدَمِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ، عَلَى عِلْمِ
مِنْهُ بِانْفِرَادِهِ عَنِ التَّشَاكُلِ وَالتَّمَثُّلِ مِنْ أَتْنَاءِ الْجِنْسِ، وَانْتَجَبَهُ أَمِيراً وَنَاهِياً عَنْهُ، أَقَامَهُ فِي
سَائِرِ عَالَمِهِ فِي الْأَدَاءِ مَقَامَهُ، إِذْ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ، وَلَا تَحْوِيهِ خَوَاطِرُ الْأَفْكَارِ، وَلَا تُثَمِّلُهُ
غَوَامِضُ الظُّنَنِ فِي الْأَسْرَارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ.



مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که بی نیاز از سپاس سپاسگزاران است، [ولی آن را] یکی از راه‌های اقرار به مقام لاهوتیت [مقام ذات خداوندی] و صمدانیت [بیاه نیازندان بودن] و ربانیت [پروردگاری] و سبب مزید رحمتش و مسیری برای رسیدن به احسان و فضلش قرار داده؛ در کنه الفاظ، حقیقت اعتراف به نیکی انعامش را نهاده؛ از این رو، شکر بر انعامش نیز نعمتی است که او ارزانی داشته، و اقرار به این که نعمت دهنده حقیقی اوست جایگزین هر سپاس و ستایش لفظی - هر چند بزرگ - گشته است.

و شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یگانه و بی‌انبار است، شهادتی که از اخلاص درون برآید، و زبان به تمجید از صدق نهان در آن به گفتار درآید. خالق و هستی‌بخش و صورتگر است، نامهای نیک دارد [، همه صفات برتر از آن اوست]، چیزی همانندش نیست؛ زیرا همه چیز به خواست او پدید آمده، و مخلوق را با خالق شباهتی نیست.

و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست، از دیرگاه او را برگزیده همه امتها کرده، چه آن که می‌دانسته با دیگر هموعان خود همسان و همانند نیست، وی را برگزید تا امر و نهیش را ابلاغ کند، او را در همه جهان در رساندن حق جایگزین خود ساخت، چه دیدگان او را در نیابند و باطن اندیشه‌ها بدو دسترسی ندارد، و اوهام و خیالات کاوشگر را به تمثیل و تصویر او راه نباشد، جز آن پادشاه مقتدر، معبودی نیست.



وَقَرَنَ الْاِعْتِرَافَ بِنبُوَّتِهِ بِالْاِعْتِرَافِ بِلاهُوِّيَّتِهِ، وَاخْتَصَّهُ مِنْ تَكْرِمَتِهِ بِمَا لَمْ يَلْحَقْهُ فِيهِ أَحَدٌ مِنْ بَرِيَّتِهِ، وَهُوَ أَهْلُ ذَلِكَ بِخَاصَّتِهِ وَخَلَّتِهِ، إِذْ لَا يَخْتَصُّ مَنْ يَشُوبُهُ التَّغْيِيرُ، وَلَا مَنْ يَلْحَقُهُ التَّنْظِيرُ، وَأَمَرَ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ مَرِيداً فِي تَكْرِمَتِهِ، وَتَطْرِيقاً لِعِزَّتِهِ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

عَلَى آلِهِ وَكَرَّمْ وَ شَرَّفْ وَ عَظَّمْ مَزِيداً لَا يَلْحَقُهُ التَّنْفِيدُ، وَلَا يَنْقَطِعُ عَلَى التَّأْيِيدِ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اخْتَصَّ لِنَفْسِهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ خَاصَّةً عَلَاهُمْ بِتَغْلِيصِهِ، وَ سَمَّا بِهِمْ إِلَى رُتْبَتِهِ وَ جَعَلَهُمْ [الدُّعَاةَ] إِلَيْهِ وَالْأَدِلَّةَ بِالْإِزْشَادِ عَلَيْهِ، أَيْمَةً مَعْصُومِينَ فَاضِلِينَ كَامِلِينَ، وَ جَعَلَهُمُ الْحُجَجَ عَلَى الْوَرَى وَ دُعَاةَ إِلَيْهِ، شُفَعَاءَ بِإِذْنِهِ، لَا يَنْسِفُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَغْمَلُونَ، يَخْكُمُونَ بِأَحْكَامِهِ، وَ يَسْتَتُونَ بِسُنَّتِهِ، وَ يَقِيمُونَ حُدُودَهُ، وَيُؤَدُّونَ فُرُوضَهُ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنِ بَيْتِهِ وَيَخْيَى مَنْ حَيٍّ عَنْ بَيْتِهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ الْأَبْرَارُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَخْيَارِ.

و خدای متعال، افراد به پیامبری محمد ﷺ را قرین اعتراف به خداوندی خویش ساخت، آن چنان وی را گرمی داشت که هیچ مخلوقی به مقام و منزلتش دست نیافت، و به حق با آن خصوصیات و امیارات، شایسته این مقام است؛ زیرا خداوند آن بنده را که دستخوش تغییر و دگرگونی شود و تغییر حال پذیرد، یا مثل و نظیر داشته باشد، مقام خاصان نبخشد.

و خدای سبحان برای مزید کرامت و گشودن راهی به سوی خاندان و عترتش دستور داد تا بر او درود فرستند، درود و اکرام بی نهایت و تشریف و تعظیم بی پایان خداوند بر آن حضرت و خاندان پاکش باد!

خدای متعال پس از پیامبرش، افراد خاصی را برگزید و آنان را به مقام والای پیامبرش بالا برد و به مرتبه او رساند، و دلیل و راهنمای به خود قرار داد. امامانی معصوم، پر فضیلت و کامل، حجت بر خلق و دعوتگر به خویش ساخت، و شفیعان صاحب اختیار قرار داد که از پیش خود سخنی بر زبان نیاورند، فرمانش را به کار بندند، و حکمش را اجرا کنند، و از سنتش پیروی نمایند، حدودش را جاری کنند، و اجباتش را انجام دهند، تا هر که هلاک شدنی است از روی بینه و حجت باشد، و هر که نجات یابد و زنده ماند بر اساس دلیل و بینه باشد، درود خدا و فرشتگان برگزیده بر محمد و خاندان نیکش باد!



وَبَعْدُ فَإِنِّي كَمَا تَأَمَّلْتُ مَا وَصَلَ إِلَيَّ مِنْ عُلُومِ نَبِيِّنَا وَوَصِيَّهِ وَالْأَنْبِيَاءِ مِنْ وَلَدِيهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَأَدْمُتُ النَّظَرَ فِيهِ وَالتَّدَبُّرَ لَهُ عَلِمْتُ أَنَّهُ قَلِيلٌ مِمَّا خَرَجَ عَنْهُمْ، يَسِيرٌ فِي جَنْبِ مَا لَمْ يَخْرُجْ، فَوَجَدْتُهُ مُشْتَمِلًا عَلَى أَمْرِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا وَ جَامِعًا لِصَلَاحِ الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ، لَا يُوجَدُ الْحَقُّ إِلَّا مَعَهُمْ، وَلَا يُؤْخَذُ الصَّوَابُ إِلَّا عَنْهُمْ، وَلَا يُلْتَمَسُ الصَّحَابُ إِلَّا مِنْهُمْ.

وَرَأَيْتُ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ عُلَمَاءِ الشَّيْعَةِ قَدْ أَلْفَوْا عَنْهُمْ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ مَا قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ ثَوَابَهُ وَأَعْنَوْا مَنْ بَعْدَهُمْ عَنْ مَوْئِنَةِ التَّأْلِيفِ وَحَمَلُوا عَنْهُمْ ثِقَلَ التَّصْنِيفِ، وَوَقَّاتٌ مِمَّا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ عُلُومِ السَّادَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حُكْمِ بَالِغَةٍ وَ مَوَاطِئِ شَافِيَةٍ، وَتَرْغِيبٍ فِيمَا لَا يَنْقُصُ، وَتَرْهيبٍ فِيمَا يَقْنَى، وَوَعْدٍ وَوَعِيدٍ، وَحَضٍّ عَلَى مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَالْأَفْعَالِ، وَنَهْيٍ عَنِ مَسَاوِيهَا، وَنَذْبٍ إِلَى الْوَرَعِ، وَحَثٍّ عَلَى الزُّهْدِ، وَ وَجَدْتُ بَعْضَهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ ذَكَرُوا جُلَاءَ مَنْ ذَلِكَ فَمَا طَالَ مِنْ وَصَايَاهُمْ وَ خُطْبِهِمْ وَ رَسَائِلِهِمْ وَعُهُودِهِمْ، وَرَوَى عَنْهُمْ فِي مِثْلِ هَذِهِ الْمَعَانِي أَلْفَاظٌ قَصُرَتْ وَانْفَرَدَتْ مَعَانِيهَا وَكَثُرَتْ فَايِدَتُهَا وَلَمْ يَنْتَهِ إِلَيَّ لِبَعْضِ عُلَمَاءِ الشَّيْعَةِ فِي هَذِهِ الْمَعَانِي تَأْلِيفٌ أَقْفُ عِنْدَهُ وَ لَا كِتَابٌ أَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَأَسْتَعِينُ بِهِ يَأْتِي عَلَى مَا فِي نَفْسِي مِنْهُ فَجَمَعْتُ مَا كَانَتْ هَذِهِ سَبِيلُهُ وَأَضَفْتُ إِلَيْهِ مَا جَانَسَهُ وَضَاهَاهُ وَشَاكَلَهُ وَسَاوَاهُ مِنْ خَيْرِ غَيْرِيهِ أَوْ مَعْنَى حَسَنِ.

و بعد : من چون در علومى كه از پیامبر اکرم ﷺ و وصیسن [امیر مومنان علی ﷺ] و فرزندان شان - صلوات الله عليهم ورحمته و بركاته - به دستم رسیده بود، دقت کردم، و همواره در آنها تأمل و تدبیر نمودم، دریافتم كه این روایات نسبت به احادیثی كه از آن بزرگواران صادر شده، اندك و نسبت به آنچه گردآوری و جمع آوری نشده، ناچیز است، در عین حال همین مقدار اندك نیز مشتمل بر امور دین و دنیا و در برگیرنده خیر دنیا و آخرت است، بى تردید حق جز نزد آنها یافت نشود، و حقیقت جز از طریق آنها به دست نیاید، و راستی را جای دیگر نتوان جست.

آنگاه دیدم علمای شیعه روایات فراوانی در بیان حلال و حرام، واجبات و مستحبات آورده و کتاب‌های بسیاری در این باب نگاشته‌اند، چندان که خداوند ثوابش را ثبت کرد، و آیندگان را از رنج تألیف بی‌نیاز ساخته و بار تصنیف را از دوش آنها برداشته‌اند، اما در علومی که از این بزرگواران علیهم‌السلام وارد شده به اخبار و احادیثی برخوردم که مشتمل بر حکمت‌های رسا، پندهای شفافبخش، تشویق به امور پایدار و سرای آخرت، دل‌کندن از دنیای ناپایدار، نوید، تهدید، ترغیب به داشتن اخلاق نیک و منش شایسته، نهی از کردارهای ناشایسته، دعوت به پرهیزکاری و تشویق به پارسایی که بخشی از این مضامین در سفارش‌ها، خطبه‌ها، نامه‌ها و عهدهای مفصل عنوان شده، و قسمتی نیز ضمن جمله‌های کوتاه - که در عین اختصار مشتمل بر معانی فراوان و مفاهیم عمیق است - آمده، ولی من در کتاب‌های دانشمندان شیعه نوشته‌ای بی‌نیاز کننده و کتابی قابل اعتماد که نیازم را برطرف ساخته و خواسته‌ام را تأمین کند، در این زمینه‌ها نیافتم؛ به ناچار [برای رسیدن به این هدف] اخبار و روایاتی که مشتمل بر این ویژگی‌ها و مضامین بود گردآوردم، و خبرهای نادر، و حدیث‌های بدیع، و مضامین عالی و مفاهیم زیبا که همگون و همسان با آن مجموعه بود، به آنها ضمیمه کردم.

□

مُتَوَحِّيًا بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - وَ طَالِبًا ثَوَابَهُ وَ حَامِلًا لِنَفْسِي عَلَيْهِ وَ مُؤَدِّيًا لَهَا، وَ حَمَلَهَا مِنْهُ عَلَى مَا فِيهِ نَجَاتُهَا شَوْقَ الثَّوَابِ وَ خَوْفَ الْعِقَابِ، وَ نَشْأًا لِي وَ قَتَ الْغَفْلَةَ، وَ مَذْكَرًا حِينَ السَّيِّئَاتِ، وَ لَعَلَّهُ أَنْ يَنْظُرَ فِيهِ مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ فَمَا عَلِمَهُ مِنْهُ كَانَ لَهُ دَرْسًا، وَ مَا لَمْ يَعْلَمْهُ اسْتِفَادَةٌ فَيُشْرِكُنِي فِي ثَوَابِ مَنْ عَمِلَهُ وَ عَمِلَ بِهِ، لِمَا فِيهِ مِنْ أَصُولِ الدِّينِ وَ فُرُوعِهِ وَ جَوَامِعِ الْحَقِّ وَ فُصُولِهِ، وَ جُمْلَةِ السُّنَّةِ وَ آدَابِهَا، وَ تَوْقِيفِ الْأُئِمَّةِ وَ حِكْمِهَا وَ الْفَوَائِدِ الْبَارِعَةِ، وَ الْأَخْبَارِ الرَّائِقَةِ، وَ أَتَيْتُ عَلَى تَرْتِيبِ مَقَامَاتِ الْحُجَجِ عليهم‌السلام، وَ أَتْبَعْتُهَا بِأَرْبَعِ وَصَايَا شَاكَلَتِ الْكِتَابَ وَ وَافَقَتْ مَعْنَاهُ، وَ أَسْقَطْتُ الْأَسَانِيدَ تَخْفِيفًا وَ إِبْحَارًا



وَإِنْ كَانَ أَكْثَرُهُ لِي سَمَاعًا، وَلَئِنْ أَكْثَرَهُ آدَابٌ وَحِكْمٌ تَشْهَدُ لِأَنْفُسِهَا وَلَمْ أَجْمَعْ ذَلِكَ لِلْمُنْكَرِ الْمُخَالِفِ بَلْ أَلْفَنَّهُ لِلْمُسْلِمِ لِلْأَيْمَةِ، الْعَارِفِ بِحَقِّهِمْ، الرَّاضِي بِقَوْلِهِمْ، الرَّادُّ إِلَيْهِمْ، وَ هَذِهِ الْمَعَانِي أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحِيطَ بِهَا حَضَرٌ وَأَوْسَعُ مِنْ أَنْ يَقَعَ عَلَيْهَا حَظَرٌ وَ فِيمَا ذَكَرْنَاهُ مُقْنِعٌ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ، وَكَافٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ لُبٌّ.

از این کار خشنودی و رضایت خداوند متعال را می جویم، و همواره بر آنم نفس را بر التزام و عمل بدین تألیف وادارم، و با آن تربیت کنم تا از شوق ثواب و بیم عقاب به اسباب نجات و رستگاری پیوندد، و این پند و اندرزها هنگام غفلت هشدارم دهد، و گاه نسیان یادآورم باشد، و شاید مؤمنی پاکدل و مخلص نیز در آن بنگرد و آنچه را بداند تذکر یابد، و آنچه را بداند فرا گیرد، [و بدین سان] مرا در ثواب علم و عمل خود شریک سازد، چه این کتاب مشتمل بر اصول و فروع دین، کلیات و جزئیات حق، مجموعه سنن و آداب، تذکرات و هشدارها، گفتار حکیمانه، و مطالب سودمند ائمه، و در بر دارنده فوائد فراوان و اخبار جالب است.

این کتاب را به ترتیب مقامات حجت های خداوند نگاشتم و به دنبال آن [در خاتمه] چهار موعظه [از مواعظ ارزشمند، یعنی: نجویای خداوند با موسی علیه السلام، و گفتار خداوند با عیسی علیه السلام و مواعظ حضرت عیسی، و موعظه مفضل] که با مطالب این کتاب سازگاری داشت و هماهنگ با آن بود، آوردم. اسناد و نام راویان را به منظور اختصار حذف کردم، با این که بیشتر این احادیث را با سندهایشان از استادان خود شنیده ام؛ زیرا بیشتر این اخبار مشتمل بر آداب و حکمتها است، که خود شاهد بر صدق و گواه بر صحت خویش است و نیازی به ذکر سند ندارد، علاوه بر آن، من این کتاب را برای مخالف و منکر جمع آوری نکرده ام، بلکه ویژه کسانی است که در برابر امامان معصوم علیهم السلام تسلیم، به حق آنان عارف، و به گفتارشان اعتقادی رضایت آمیز دارند، و در همه امور به آنها مراجعه می کنند.

ناگفته نماند، حدیث در مضامین یاد شده از شماره بیرون است و گسترده تر از آن

است که بتوان آنها را در اوراق کتابی محدود ساخت، اما آنچه آوردیم برای [نیکبختی، سعادت و رستگاری] آن که قلبی در سینه و عقلی در سر دارد، کافی است.



فَتَأَمَّلُوا مَعَاشَرَ شِيعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مَا قَالَتْهُ أَسْمَتُكُمْ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَدَّبُّوا إِلَيْهِ وَحَضُّوا عَلَيْهِ؛
وَانْظُرُوا إِلَيْهِ بِعُزْمٍ قُلُوبِكُمْ، وَاسْمَعُوهُ بِأَذَانِهَا، وَعُوهُ بِمَا وَهَبَهُ اللَّهُ لَكُمْ، وَاخْتَجَّ بِهِ عَلَيْكُمْ
مِنَ الْقَوْلِ السَّامِعِ وَالْأَفْهَامِ الصَّحِيحَةِ، وَلَا تَكُونُوا كَأَنبَادِكُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْحُجَجَ
الْإِلَازِمَةَ وَالْحِكْمَ الْبَالِغَةَ صَفْصَاءً وَيَنْظُرُونَ فِيهَا تَصَفُّحاً، وَيَسْتَجِيدُونَهَا قَوْلًا وَيُعْجِبُونَ بِهَا
لَفْظًا، فَهُمْ بِالْمَوْعِظَةِ لَا يَنْتَفِعُونَ، وَلَا فِيهَا رُغْبًا يَزْغَبُونَ، وَلَا عَمَّا حُذِّرُوا يَنْزَجِرُونَ،
فَالْحُجَّةُ لَهُمْ لَازِمَةٌ، وَالْحَسْرَةُ عَلَيْهِمْ دَائِمَةٌ، بَلْ خُذُوا مَا وَرَدَ إِلَيْكُمْ عَمَّنْ فَرَضَ اللَّهُ
طَاعَتَهُ عَلَيْكُمْ، وَتَلَقَّوْا مَا نَقَلَهُ الثَّقَاتُ عَنِ السَّادَاتِ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَالْإِنْتِهَاءِ إِلَيْهِ وَالْعَمَلِ
بِهِ، وَكُونُوا مِنَ التَّقْصِيرِ مُشْفِقِينَ وَبِالْجُزْءِ قَوْنِينَ

شیعیان با ایمان! آنچه امامانان فرموده و شما را به انجام آن تشویق و ترغیب کرده‌اند خوب تأمل کنید و با چشم دل بنگرید، و با گوش جان بشنوید، و با آن خرده‌های سالم و فهم‌های صحیح که خداوند به شما ارزانی داشته و حجت بر شما قرار داده، نیک دریابید و به خوبی از آن مراقبت کنید. چونان مخالفان نباشید که برهان‌های الزام‌آور و حکمت‌های رسا را سطحی می‌شنوند و بی‌اعتنا در آنها می‌نگرند، به زبان تعریف می‌کنند، با حرف اظهار تعجب و شگفتی می‌نمایند، اما نه از پند و موعظه سود برند، نه از ترغیب و تحریص به شوق آیند، نه با تهدید باز ایستند؛ پس حجت بر آنان تمام است و حسرتشان دائم.

شما آنچه را از جانب مقاماتی که خدای سبحان اطاعتشان را واجب کرده، دریافته‌اید، بپذیرید و آنچه را راویان مورد وثوق از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نقل کرده‌اند، به گوش جان بشنوید و بدان ملتزم باشید و آن را به کار بندید، و از تقصیر در این خصوص بیمناک باشید، و به ناتوانی خود اعتراف کنید.



وَاجْتَهِدُوا فِي طَلَبِ مَا لَمْ تَعْلَمُوا، وَاعْلَمُوا بِمَا تَعْلَمُونَ لِيُؤَافِقَ قَوْلُكُمْ فِعْلُكُمْ، فَيَعْلَمُوهُمْ النَّجَاةَ وَبِهَا الْحَيَاةَ، فَقَدْ أَقَامَ اللَّهُ بِهِمُ الْحُجَّةَ، وَ أَقَامَ بِمَكَانِهِمُ الْمَحْجَّةَ، وَقَطَعَ بِمَوْضِعِهِمُ الْعُذْرَ، فَلَمْ يَدْعُوا لِلَّهِ طَرِيقاً إِلَى طَاعَتِهِ، وَلَا سَبِيلاً إِلَى جَنَّتِهِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرُوا بِهِ وَنَدَبُوا إِلَيْهِ وَدَلُّوا عَلَيْهِ وَذَكَرُوهُ وَعَرَّفُوهُ ظَاهِراً وَبَاطِناً وَتَغْرِيباً وَتَصْرِيحاً، وَلَا تَرَكَوْا مَا يَقُودُ إِلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَيُذْنِي مِنْ سَخَطِهِ وَيَقْرُبُ مِنْ عَذَابِهِ إِلَّا وَقَدْ حَذَرُوا مِنْهُ وَنَهَوْا عَنْهُ وَأَشَارُوا إِلَيْهِ وَخَوَّفُوا مِنْهُ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ، فَالْبَسِعِيدُ مَنْ وَفَّقَهُ اللَّهُ لِاتِّبَاعِهِمْ وَالْأَخْذِ عَنْهُمْ وَالْقَبُولِ مِنْهُمْ، وَالشَّقِيُّ مَنْ خَالَفَهُمْ وَاتَّخَذَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيحَةً وَتَرَكَ أَمْرَهُمْ رَغْبَةً عَنْهُ، إِذْ كَانُوا الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى وَحَبْلَ اللَّهِ الَّذِي أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْإِغْتِسَامِ وَالنَّشُكِ بِهِ، وَسَفِينَةَ النَّجَاةِ، وَوَلَاةَ الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ فَقَالَ: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ وَالصَّادِقِينَ الَّذِينَ أَمَرْنَا بِالْكَوْنِ مَعَهُمْ، فَقَالَ: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾.

[شیعیان با ایمان!] در طلب آنچه نمی‌انید بکوشید، تا گفتارتان با کردارتان هماهنگ باشد، نجات و رستگاری در پرتو علوم آل محمد ﷺ است، و زندگی [توأم با سعادت و نیک‌بختی] نیز در پرتو بهره‌گرفتن از رهنمودهای نجات‌بخش آنان میسر است. خدای سبحان به وسیله آنان اقامه حجت کرده، به مقام امامتشان راه گشوده، و جای عذری نگذاشته، پیشوایانی که هیچ طریقی به طاعت و وسیله‌ای برای خشنودی خداوند، و راهی به بهشت فرو نگذاشته‌اند؛ جز این که [به انجام همه نیکی‌ها] دستور داده، ترغیب و راهنمایی کرده‌اند، آشکار و نهان، با کتاب و تصریح آن را شناسانده‌اند، و هیچ چیزی که موجب آلودگی به گناه، و سبب خشم خداوند و باعث گرفتاری به عذابش بوده، فرو نهداده‌اند؛ جز این که از ارتکاب آنها بر حذر داشته، نهی فرموده و بدان اشاره کرده. و از آن بیم داده‌اند، تا مردم را بر خدا، عذر و بهانه‌ای نباشد.

نیک بخت کسی است که خدایش توفیق پیروی و دریافت و پذیرش از آنها داده، و

تیره بخت کسی است که با آنها مخالفت کند، غیر از آنها را به دوستی گیرد و از فرمانشان روی گرداند؛ زیرا این خاندان، دستاویز محکم ورشته ناگستنی خدایند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده بدان چنگ زنیم، که کشتی نجاتند، فرمانروایانی که خداوند اطاعتشان را واجب کرده، فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا، پیامبر خدا و اولوالامر (اوصیای پیامبر) اطاعت کنید».^۱ و آنان همان راستگویانی هستند که خداوند دستور داده [همواره] با آنها باشیم، [در آنجا که] فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید».^۲

۱. سوره نساء، آیه ۵۹. «شیخ سلیمان حنفی قندوزی» که از دانشمندان معروف اهل تسنن است در کتاب «یتایع المودة» از کتاب «مناقب» از «سلیم بن قیس هلالی» نقل می کند: روزی مردی محضر امیر مؤمنان علی علیه السلام شرفیاب شد، پرسید: «کمترین چیزی که انسان در پرتو آن جزء مؤمنان خواهد شد چه چیز است؟ و نیز کمترین چیزی که با آن جزء کافران، یا گمراهان می گردد، کدام است؟»
امام علیه السلام فرمود: اما کمترین چیزی که انسان به سبب آن در زمره گمراهان درمی آید، این است که: حجت و نماینده خدا، شاهد و گواه او را که اطاعتش لازم است، نشناسد.
آن مرد گفت: ای امیر مؤمنان! آنها را به من معرفی کن!
حضرت فرمود: همان ها که خداوند در ردیف خود و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده و فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ...﴾.

آن مرد گفت: فدایت شوم! باز هم روشن تر بفرما.
امام علیه السلام فرمود: همان هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در موارد مختلف و در خطبه روز آخر عمرش از آنان یاد کرده، فرمود: «إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ أُمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ عُرْتِي أَهْل بَيْتِي». (یتایع المودة، ص ۱۱۶؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی، ص ۱۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷)
۲. سوره توبه، آیه ۱۱۹.



وَاجْتَهِدُوا فِي الْعَمَلِ بِمَا أَمَرُوا بِهِ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا، وَاحْذَرُوا مَا حَذَرُوا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا، مَنْ عَمِلَ بِصَغَارِ الطَّاعَاتِ ارْتَقَى إِلَى كِبَارِهَا، وَمَنْ لَمْ يَجْتَنِبِ قَلِيلَ الذُّنُوبِ ارْتَكَبَ كَثِيرَهَا.

وَقَدْ رُوِيَ: «اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ وَهِيَ قَوْلُ الْعَبْدِ: لَيْتَ لَا يَكُونُ لِي غَيْرُ هَذَا الذَّنْبِ». وَرُوِيَ: «لَا تَنْظُرْ إِلَى الذَّنْبِ وَصِغَرِهِ وَلَكِنْ انْظُرْ مَنْ تَعْصِي بِهِ، فَإِنَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ». فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ مِنْ عَبْدِهِ صِحَّةَ نِيَّتِهِ وَخُلُوصَ طَوَيْتِهِ فِي طَاعَتِهِ وَمَحَبَّتِهِ لِمَرْضَاتِهِ وَكَرَاهَتِهِ لِمَخْطِئِهِ وَقَفَّهَ وَأَعَانَهُ وَفَتَحَ لَهُ مَسَامِعَ قَلْبِهِ، وَكَانَ كُلُّ يَوْمٍ فِي مَزِيدٍ، فَإِنَّ الْأَعْمَالَ بِالنَّاتِ.

وَقَفَّاهُ اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ بِالصَّالِحِ الْأَعْمَالِ وَسَدَدَنَا فِي الْمَقَالِ، وَأَعَانَنَا عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَجَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الَّذِينَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا، وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا، وَإِذَا أَسْأَلُوا اسْتَغْفَرُوا، وَجَعَلَ مَا وَهَبَهُ لَنَا مِنَ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ لَهُ وَالْإِثْمَامِ بِالْإِيمَةِ مُسْتَقِرًّا غَيْرَ مُسْتَوْدَعٍ، إِنَّهُ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

در انجام اوامرشان - چه کوچک باشد یا بزرگ - بکوشید، از آنچه زهارتان داده اند - کم باشد یا زیاد - حذر کنید؛ زیرا کسی که به طاعت های کوچک پردازد، به انجام طاعت های بزرگ نیز توفیق یابد، و هر که از گناهان [به ظاهر] کوچک پرهیز نکند، به گناه بزرگ گرفتار گردد.

روایت شده: «از گناهان کوچک پرهیزید، گناهانی که بنده گوید: ای کاش غیر از این گناهی نداشتم».

و همچنین روایت شده: «به کوچکی گناه منگر، بزرگی آن را بنگر که فرمانش می شکنی؛ که خداوند بلند مرتبه و والامقام است». خداوند آنگاه که از بنده سلامت نیت، خلوص در طاعت، شوق به رضایت و کراهت از غضب خود ببیند، توفیقش دهد و یاریش کند و گوش دلش را بگشاید، و چنین بنده ای همواره در مسیر تکامل گام برمی دارد؛ زیرا عملها وابسته به نیتهاست.

خدای متعال ما و شما را به کردار شایسته و گفتار استوار موفق دارد، در کار دین و دنیا یاری دهد، از زمره کسانی قرار دهد که چون عطا یابند شکر گویند، و آنگاه که گرفتار شوند شکیب ورزند، و چون بد کنند پوزش طلبند و آمرزش خواهند. خداوند ما را بر نعمت ایمان و توحید و پیروی از امامان علیهم السلام - که نصییمان فرموده - ثابت و پایدار سازد؛ که او بخشنده و بزرگوار است.